اعلاميه جهاني حقوق بشر

40) 00

، از آنجا که شناسائی حبثیت ذاتی کلیهٔ اعمای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل میدهد

، از آنجا که عدم شناسائی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانهای گردیده است که روح بشریت را بعمیان واداشته و ظهور دنیائی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند بعنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است ، از آنجا که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر بعنوان آخرین علاج بقیام بر مد ظلم و فشار مجبور نگردد

، از آنجا که اساساً لازم است توسعه روابط دوستانه بین ملل را مورد تشویق قرار داد

ز آنجا که مردم ملل متحد ایمان خود را یحقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و نساوی حقوق مرد و زن مجدداً در منشور اغلام کردهاند و نصمیم راسخ گرفتهاند که به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیطی آزادتر وسع زندگی بهتری بوجود آورند .از آنجا که دول عصو منتهد شدهاند و کاره جهانی و رغایت واقعی حقوق بشر و آزادیهای اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تأمین کنند

، از آنجا که حسن تفاهم مشترکی نسبت باین حقوق و آزادیها برای اجرای کامل این تعهد کمال اهمیت را دارد

ت کنند که بوسیلهٔ تعلیم و تربیت احترام این حقوق و آزادیها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بینالمللی، شناسائی و اجرای واقعی و حیاتی آنها، چه در میان خود ملل کسو و چه در بین مردم کشورهائی که در قلمرو آنها میباشند، تأمین گردد مادهٔ اول

.تمام افراد بشر آزاد بدنیا میایند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان میباشند و باید نسبت بیکدیگر با روح برادری رفتار کنند

مادة دەم

واند بدون هیچگونه تعایز مخصوصا از حیث نزاد، رنگ، جنس زیان، مذهب، عقیدهٔ سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، ومع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیهٔ آزادیها ثیکه در اغلامیه ذکر حاصر شده است. بهرهمند گردد . بعلاوه هیچ تبعیضی بعمل نخواهد آمد که مبتنی بر ومع سیاسی، اداری و فعالی یا بینالمللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص بآن تعلق دارد، خواه این کشور مستقل، تحت قبومیت یا غیر خودمختار بوده یا حاکمیت آن بشکلی محدود شده باشد

مادهٔ سوم هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد

مادۂ جہارم

. احدی را نمیتوان در بردگی نگاهداشت و داد و ستد بردگان بهر شکلی که باشد ممنوع است

مادة ينجم

. احدى را نميتوان تحت شكنجه يا مجازات يا رفتارى قرار داد كه طالمانه و يا بر خلاف انسانيت و شئون بشرى يا مونجن باشد

مادة ششم

هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی او در همهجا بعنوان یک انسان در مقابل قانون شناخته شود

مادة هفتم

وانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالسویه از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که نافض اعلامیه حاضر باشد و بر علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی بعمل آید بطور تساوی از حمایت قانون بهرهمند شوند

مادۂ هشتم

.در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار بدهد و آن حقوق بوسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناختهشده باشد، هر کس حق رجوع مؤثر بمحاکم ملپ صالحه دارد

مادۂ نهم

. احدى نميتواند خودسرانه توقيف - حبس يا تبعيد بشود

مادۂ دھم

.هر کس با مساوات کامل حق دارد که دخوایش بوسیله دادگاه مستقل و برطرفی، متمقانه و علیاً رسیدگی بشود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزائب که باو توجه پیدا کرده باشد [نحاذ تصمیم بنماید

مادة بازدهم

.هر کس که به بزهکاری متهم شده باشد برگناه محسوب خواهد شد تا وقتیکه در جربان یک دغوای غمومی که در آن کلیه تعمینهای لازم برای دفاع او تأمین شده باشد تقمیر او قانوناً مجزز گردد

رای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب، آن عمل بموجب حقوق ملی یا بینالمللی جرم شناخته نمیشده است محکوم نخواهد شد. بهمین طریق هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق میگرفت درباره احدی اعمال نخواهد شد

. احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکانیات خود، نیاید مورد مداخلههای خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نیاید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل اینگونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد مادهٔ سیزدهم

.هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید

.هر کس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود باز گردد

مادة جهاردهم

.هر کس حق دارد در برابر تعقیب شکنجه و آزار پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند

.در موردی که تعقیب واقعاً مبتنی بجرم عمومی و غیرسیاسی یا رفتارهائی مخالف با امول و مقامد ملل متحد باشد، نمیتوان از این حق استفاده نمود

مادة پانزدهم

. هر کس حق دارد که دارای تابعیت باشد

.احدى را نميتوان خودسرانه از تابعيت خود يا از حق تغيير تابعيت محروم كرد

مادة شانزدهم

ِ زن و مرد بالغب حق دارند بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با همدیگر زناشوئی کنند و تشکیل خانواده دهند. در نمام مدت زناشوئی و هنگام انجلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط بازدواج، دارای حقوق مساوی میباشند
. ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانهٔ زن و مرد واقع شود

.خانواده ركن طبيعي و اساسي اجتماع است و حق دارد از حمايت جامعه و دولت بهرهمند شود

مادة هفدهم

. هر شخص منفردا یا بطور اجتماعی حق مالکیت دارد

.احدى را نميتوان خودسرانه از حق مالكيت محروم نمود

مادة هيجدهم

ند شود. این حق متعمن آزادی تغییر مذهب یا کقیده و همچنین متعمن آزادی اظهار کقیده و ایمان میباشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کس میتواند از این حقوق منفرداً یا مجتمعاً بطور خصوصی یا بطور کمومی برخوردار باشد

.هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آنست که از داشتن عقاید خود بیم و اسطراین نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن بتمام وسائل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد

۔ مادۂ بیستم

. هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیتهای مسالمتآمیز تشکیل دهد

.هیچکس را نمیتوان مجبور بشرکت در اجتماعی کرد

مادۂ بیست ویکم

.هر کس حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود، خواه مستقیما و خواه با وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید

. هر کس حق دارد با تساوی شرایط، بمشاغل عمومی کشور خود نائل آید

ره حکومت، ارادهٔ مردم است، این اراده باید بوسیله انتخاباتی ایراز گردد که از روی مدافت و بطور ادواری صورت پذیرد. انتخابات باید عمومی و با رخایت مساوات باشد و با رأی مخفی یا طریقهای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رأی را تأمین نماید

هر کس بعنوان خسو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است بوسیله مساعی ملی و همکاری بینالمللی حقوق اقتمادی و اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمة مقام و نمود آزادانه شخصیت او است با رغایت تشکیلات و منابع هر کشور بدست آورد مادة بیست و سوم

.هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رهایت بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد

.همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی، در مقابل کار مساوی، اجرت مساوی دریافت دارند

.هر کس که کار میکند بعزد منسخانه و رضایت بخض ذیحق میشود که زندگی او و خانوادهاش را موافق شئون انسانی تأمین کند و آنرا در مورت لزوم با هر نوع وسائل دیگر حمایت اجتماعی تکمیل نماید

. هر کس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیهها نیز شرکت کند

مادهٔ بیست و چهارم

هر کس حق استراحت و فراغت و تفریح دارد و بخصوص بمحدودیت معقول ساغات کار و مرخصیهای ادواری با اخذ حقوق ذیحق میباشد

مادة بيست و پنجم

، طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری، بیماری، نفس اعضاء، بیوگی، پیری یا در تمام موارد دیگری که بعلل خارج از اردهٔ انسان وسائل امرار معاش از دست رفته باشد از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شوند .مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوص بهرممند شوند. کودکان چه بر اثر اردواج و چه بدون ازدواج بدنیا آمده باشند، حق دارند که همه از یکنوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند

مادهٔ بیست و ششم

امند شود. آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط بتعلیمات ابتدائی و اساسی است باید مجانی باشد. آموزش ابتدائی اجباری است. آموزش حرفای باید با شرایط تساوی کامل بروی همه باز باشد تا همه بنا باشتعداد خود بتوانند از آن بهرهمند گردند بل رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادیهای بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حسن تفاهم، گذشت و احترام عقاید مخالف و دوستی بین نمام ملل و جمعیتهای نزادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیتهای ملل متحد را در راه حفظ ملح تسهیل نماید بدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت بدیگران اولویت دارند

مادة بيست و هفتم

. هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماعی شرکت کند، از فنون و هنرها متمنع گردد و در پیشرفت علمی و فوائد آن سهیم باشد

.هر کس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود

مادة بيست و هشتم

.هر کس حق دارد برفراری نظمی را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بینالمللی حقوق و آزادیهائی را که در این اعلامیه ذکر گردیده است تأمین کند و آنها را بمورد عمل بگذارد

مادة بيست و نهم

.هر کس در مقابل آن جامعهای وطیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد

و استفاده از آزادیهای خود فقط تابع محدودیتهائیست که بوسیلهٔ قانون منحصراً بمنظور تأمین شناسائی و مراغات حقوق و آزادیهای دیگران و برای رغایت مقتمیات محیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک ومع گردیده است.

این حقوق و آزادیها در هیچ موردی نمیتواند بر خلاف مقاسد و امول ملل متحد اجرا گردد

مادۂ سیام

. هیچیک از مقررات اعلامیه خاصر نباید طوری تفسیر شود که متممن حقی برای دولتی با جمعیتی با فردی باشد که بعوجی آن بتوانند هر یک از حقوق و آزادیهای مندرج در این اعلامیه را از بین بیرند و یا در آن راه فعالیتی بنفاید